

بررسی عوامل مؤثر بر شکل‌گیری بافت روستایی

مطالعه موردی: روستای پا قلعه خوزستان

رضا سیروس صبری* / حسن فریدون زاده**

تاریخ دریافت مقاله:

۱۳۹۰/۰۹/۱۹

تاریخ پذیرش مقاله:

۱۳۹۱/۰۳/۲۲

چکیده

رابرت چامبرز مجموعه‌ای از "عواملی که برای محقق شهرنشین مانع دریافت تصویر واقعی روستا می‌شود" را برشمرده است. وی سپس اشاره می‌کند که محققین بیشتر به روستاهایی مراجعه می‌کنند که دسترسی به آن‌ها از راه جاده سهل‌تر باشد و با روستاهای دور افتاده کمتر سروکار دارند. روستای پا قلعه با توجه به پتانسیل جذب توریست به دلیل قدمت تاریخی آن، قرارگیری غار تاریخی و روستای جدیدی احداث شده در یک مکان و همچنین قرارگیری آن در کنار مناظر زیبای دریاچه دز، بسیار حائز اهمیت است. روستای پا قلعه در حدود ۳۵ کیلومتری شمال شهر دزفول در استان خوزستان است. این روستا بر اساس آمار سال ۱۳۸۴ دارای ۲۱۰ نفر جمعیت است. روستای مورد مطالعه در بالای یک دره و در دامنه یک کوهپایه قرار گرفته است. در گذشته در بالای کوه، غاری تاریخی، شکل گرفته بود که سکونتگاه مردم تا دوره پهلوی بوده است و اکنون ساکنان آن غارها در روستای مورد مطالعه سکنی گزیده‌اند.

از زمانهای دور، اهالی این دیار در درون غار بالای کوه به زندگی ادامه می‌دادند که این غار به شکل دفاعی و دارای دروازه‌های بزرگ برای ورود به این غارها بوده که مطابق معماری قلعه‌ها بوده است. اما با اینکه (پا قلعه) به روستای فعلی نقل مکان کرده ولیکن روستا، مصالح خود را از مصالح بوم آورد محلی، جهت گیری براساس قراردادهای جغرافیایی و طراحی فضایی را بر اساس فرهنگ موجود پدید آورده است. در این پژوهش که با روش تحلیلی-توصیفی و با مطالعات میدانی در روستا و مصاحبه حضوری با ریش سفید و اهالی ساکن روستا و مطالعات کتابخانه‌ای است در نهایت به نتایج ذیل منجر گردید که در شکل‌گیری بافت روستایی مؤثرند: اول، تأثیر بوم طبیعی و مصنوعی در بافت. دوم، فرهنگ اجتماعی حاکم بر روستا. سوم، عوامل جغرافیایی مؤثر در شکل‌گیری بافت. چهارم، نقش سنت سکونت حاکم در منطقه که بدون توجه به هر یک از موارد فوق، طراحی بافت روستا امکانپذیر نخواهد بود.

واژگان کلیدی: روستا، بافت، خوزستان، مسکن، طراحی معماری.

* استاد دانشگاه‌های سیستم ایالتی کالیفرنیا و ویرجینیاتک و استاد مدعو دانشگاه شهید بهشتی. crsabri@hotmail.com

** مدرس آموزشکده فنی و حرفه‌ای سماء دانشگاه آزاد اسلامی واحد اردبیل، ایران.

مقدمه

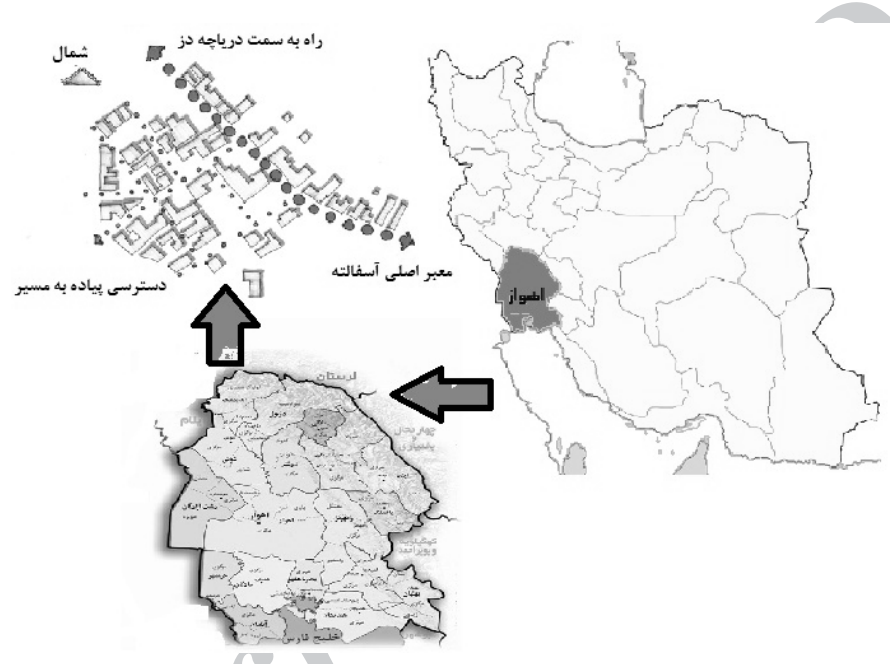
موقعیت روستای پاقلعه در استان خوزستان

استان خوزستان با مساحتی در حدود ۶۴۶۶۴ کیلومتر مربع، از نظر ناهمواریها به دو منطقه متفاوت تقسیم می‌شود. جلگه‌ای وسیع و پهناور که ۶۰ درصد مساحت استان را پوشانیده است و شمال و شرق استان به رشته کوه‌های زاگرس محدود می‌شود که در امتداد شمال غربی

جنوب شرقی گسترده شده است.

روستای پاقلعه جزو روستاهایی است که در منطقه کوهستانی استان خوزستان در ارتفاع ۱۵۰۰ متری از سطح دریا قرار گرفته (گونه شناسی مسکن خوزستان، دفتر پنجم، بافت) و در قسمت شمال شهر دزفول واقع شده است. روستای مورد تحقیق در مسیر جاده منتهی به دریاچه سد دز کنار جاده واقع شده است. تصویر (۱ و ۲).

ت ۱. موقعیت قرارگیری روستای مورد تحقیق در استان و ایران.



ت ۲. موقعیت روستای پاقلعه در دامنه کوه، عکس از خود نگارنده، ۱۳۸۴.



با توجه به موقعیت قرارگیری استان خوزستان در کمربند تاریخی ایران و بحث امروزی محافل تاریخی جهان بر سر تقدم زمانی تمدن‌های مختلف تاریخی در دنیا بر یکدیگر، تحقیق در موضوعات علمی مبتنی بر تاریخ این دیار ضروری به نظر می‌رسد و با این دیدگاه که قرارگیری مکان تاریخی در یک زمان مشخص، اصولاً عنوان موضوع معماری فرازمانی را مطرح می‌سازد که در زمان خودش جوابگوی عملکرد خاص خود بوده و در زمانهای فعلی نیز پاسخگو هستند (طاهباز، منصوره، ۱۳۸۳).

با این تعاریف، در مورد تاریخ، سؤالات ذیل قابل طرح است که:

الف) آیا می‌توان گفت که شکل‌گیری سکونتگاه روستایی در کنار مکان تاریخی مانند قلعه در ارتباط با یکدیگر می‌باشند؟

ب) آیا قرارگیری مکان تاریخی در کنار سکونتگاه روستایی، می‌تواند در تقویت حس مکان آن روستا میسر باشد؟

روش شناسی

در مقاله حاضر از روش تحقیق تحلیل-توصیفی و همچنین از طریق مشاهده بستر روستا توأم با مطالعات کتابخانه‌ای و با بررسی اسناد و مدارک مربوط به روستاها، خصوصاً روستاهای استان خوزستان و انجام مطالعات میدانی و مصاحبه با اهالی و ریش سفیدان روستا، انجام کروکی‌های معماری در سطح روستا با بررسی فرم پلان‌های سکونتگاه‌های این روستا و سپس تجزیه و تحلیل یافته‌ها بر اساس شرایط حاکم بر روستا مورد استفاده قرار گرفته شده است.

برای بررسی بافت روستایی که عبارت است از مجموعه عناصر تشکیل دهنده روستا، به‌ویژه واحدهای مسکونی اماکن عمومی و روابط ما بین آنها، باید عوامل متعددی در نظر گرفته شود که هر یک به نوبه خود تأثیری کم یا زیاد بر آن دارند. در این پژوهش سعی بر این شد که تأثیر عوامل گوناگون در سازمان فضایی و کالبد روستا در چهار مقیاس بررسی مکانیابی روستا، چگونگی سازمان فضایی روستا، بررسی بافت پُر روستا و در آخر بررسی واحدهای سکونتگاهی روستا (حاجی ابراهیم زرگر، شناخت معماری روستایی ایران، ۱۳۸۱) مورد بررسی قرار گیرد که در ادامه به آن‌ها اشاره می‌گردد.

مقیاس اول: بررسی مکانیابی روستای پاقلعه

همانطور که قبلاً توضیح داده شد روستای مورد مطالعه زمانی در بالای کوهی بوده که هم اکنون در جنوب غربی روستا قرار گرفته و آثاری از غارهای سکونتی که تا دوره پهلوی اول مردمان این سرزمین در درون غارها زندگی می‌کردند وجود دارد. بنابر اظهارات اهالی در دوره پهلوی با دعوت دولت وقت، ساکنان به روستای فعلی نقل مکان کرده و این روستا پا قلعه نام گرفته است، لازم به توضیح است که آثار و دروازه تاریخی مربوط به قلعه و خود قلعه حاکی از ایده دفاعی قلعه خبر می‌دهد و موضوع مهم امنیت را در نیازهای اولیه ساکنین نشان می‌دهد، در ضمن این قلعه بزرگترین قلعه طبیعی ایران است که در حدود ۱۰ کیلومتر طول و چهار کیلومتر عرض دارد. دیواره‌های قلعه در دوره چهارم زمین‌شناسی و به سبب ریزش یکپارچه و عمودی دیواره‌های بنا و نیز فرسایش ناشی از طغیان رودخانه به‌وجود آمده‌اند.

ارتفاع این دیواره‌ها در بلندترین نقطه به ۷۰۰ متر و در کوتاه‌ترین نقطه به ۳۰ متر می‌رسد. این قلعه در دوره ساسانیان و پیش از آن به نام‌های دژانوشبردیاگیلی‌گردا، یا دژفراموشی معروف بوده است و در آن آثاری شامل آسیاب بادی، حوض آب‌انبار و غارهایی برای زندگی یا انبار غلات و مواد غذایی منطقه به چشم می‌خورد. برج و بارو محل دیدبان‌ها، پل دیواره‌ای و در ورودی این دژ بر روی یک ستون استوانه‌ای توخالی قرار دارد. این قلعه غیر قابل نفوذ بوده و فقط یک راه ورودی دارد. از جمله نقاط دیدنی دژ، راه ورودی آن است که شامل پل متحرک چوبی، پلکانی با عرض حدود دو متر و ارتفاع حدود ۲۰ سانتی متر و دروازه است (اداره کل میراث فرهنگی خوزستان، ۱۳۸۹). این روستا نیز به دلیل حس تعلق به فضا در پای کوه که یادمان ذهنی و خاطراتی از اجداد خود داشته با رعایت پارامتر و تمهیداتی شکل گرفته است. تصویر (۳)

ت. ۳. تنها مدخل ورودی قلعه تاریخی شاداب.

عکس از محمد آذرکیش، ۱۳۹۰.



عامل شکل دهنده در این روستا موقعیت چین خوردگی‌های زمین و ناهمواریهای آن است. امتداد و جهت کوهها و دره‌ها به‌عنوان زمینه اصلی و عامل مهم‌تر جلوه‌نمایی می‌کند و سایر عوامل در مرحله بعدی هستند. موقعیت کشتزار در پای روستا گسترده شده است و کوه

چون دیوار مستحکمی از آن محافظت می‌کند و استقرار آبادی‌ها و تپه‌ها در دشت وسیع خوزستان، به‌ویژه در نواحی شمالی آن یکی از الگوهای مهم و اصلی جایگیری روستاهاست. (گونه‌شناسی مسکن خوزستان، دفتر پنجم، بافت - مرکز تحقیقات مسکن و زمین - ۱۳۶۴) همچنین پایین دست روستا مشرف به مناطق وسیع زمین‌های کشاورزی است و روستا چشم‌انداز مناسبی به زمین‌های کشاورزی دارد. این نوع مکان یابی دارای مزیت قرار گرفتن در کنار کوه بوده که اولاً موضوع امنیت را برای ساکنان در بردارد که در تاریخچه روستای پا قلعه نیز کاملاً مشهود است، ثانیاً کشاورزان نسبت به زمین‌های کشت خود دارای چشم‌انداز مناسب هستند و خانه‌ها در روی زمین مخصوصی استقرار یافته‌اند که ناظر تمام چشم‌انداز طبیعت باشند. این مشخصه سنتی و این وابستگی به زمین (به قول بعضی‌ها، اسرارآمیز) موجب شده که مردم این جوامع نسل‌های متمادی با تحمل تنگناها و دشواری‌های فراوان در همین منطقه بمانند و هیچ نوع تغییری در زندگی آن‌ها پدید نیاید. (اکبر زرگر، ۱۳۸۶)

در مکان یابی روستاها یکی از عوامل مهمی که بایستی به آن توجه کرد سقوط صخره‌ها و سنگ‌های بزرگ منفک شده از دل کوههاست. برای مثال سقوط سنگها از دل صخره در روستای سپیدان در ۵۵ کیلومتری جنوب شهر بجنورد استان خراسان شمالی در سال ۱۳۷۰ موجب خسارت دیدن تقریباً ۳۰۰۰ درخت در باغات این روستا گردید (شکری پور، غفوری، امانی پور، ۱۳۸۵) و سقوط تخت سنگ‌ها در جریان زلزله سال ۱۳۶۹ در روستای ماسوله فومن در استان گیلان موجب ویرانی چندین خانه شد و تلفات جانی و مالی فراوانی به بار آورد (اکبر زرگر، ۱۳۸۶). متأسفانه در مکان یابی این روستا به این نکته توجه نشده و خطر سقوط سنگ‌های بزرگ در

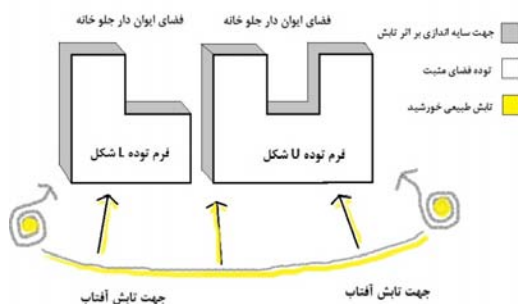
رویکرد فرم معماری سکونتگاه‌ها

از مطالعه و برداشت‌های میدانی در سطح روستا و با مراجعه به چندین سکونت‌گاه روستای پاقلعه می‌توان به تکنیک ساخت سکونتگاه‌های این روستا پی برد، به طوری که هر گوشه‌ای از این روستا، علم و آگاهی و تجربه سازندگان آن را نشان می‌دهد که در ذیل به تفسیر آن می‌پردازیم.

(الف): یکنواختی و سادگی پلانها و نما: بناها و پلانها این سکونتگاه‌ها از یکنواختی و سادگی برخوردار هستند. طراحی پلانها و نمای سکونتگاه‌های روستایی پاقلعه جزو ساده‌ترین پلانهاست به طوری که دسترسی به هر فضای معماری می‌تواند از طریق فضای دیگر و یا به طور مستقل صورت پذیرد.

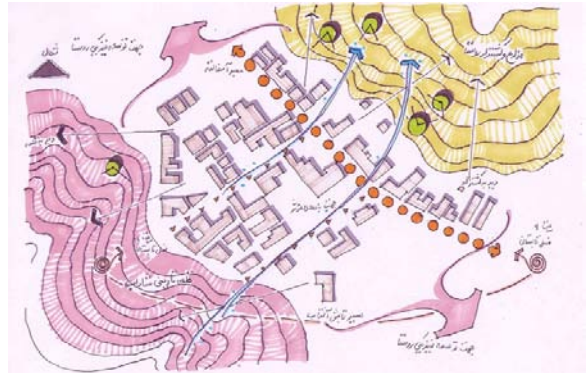
(ب): انتخاب جهت‌گیری مناسب جغرافیایی: در نقاط گرمسیر همچون استان خوزستان برای فرار از تابش گرم و سوزان آفتاب جهت جنوب، طراحی پلانهای معماری تابع شرایطی از جمله انتخاب جهت مناسب جغرافیایی پلانهاست که در این حالت، پلانها پشت به آفتاب بوده و عمده پلانها در این روستا به صورت U شکل و یا به صورت I طراحی شده است به طوری که از کمترین تأثیرات تابش آفتاب سوزان خوزستان برخوردارند (تصویر ۵).

ت ۵. فرم غالب پلانهای روستا.



کوهپایه دیده می‌شود که موجب ترک خانه‌ها در اطراف این صخره‌ها شده است و این سنگ‌ها خانه‌های مسکونی را تهدید می‌کند و در مقابل باید یادآور شد که برخی از خانه‌ها به این صخره‌ها تکیه کرده و به طرز هوشمندانه‌ای از خود صخره به عنوان دیوار یک وجه از خانه استفاده کرده است (نگارنده) تصویر ۴.

ت ۴. آنالیز سایت روستا- منبع: نگارنده، ۱۳۸۴.



مقیاس دوم: بررسی سازمان فضایی روستا

نوع تجمع و شکل گرفتن خانه‌ها در روستا نشان داد که تابع عوامل متعددی است، عامل اولیه که در بسیاری از روستاهای خوزستان حاکم است محدودیت سابقه سکونت بوده که سبب گستردگی، بی‌نظمی و پراکندگی بافت آن‌هاست. روستاییانی که تا چند دهه پیش در درون غارهای بالای کوه به صورت دسته جمعی و کلونی به زندگی ادامه می‌دادند به یکباره مجبور می‌شوند در خانه‌های جدای از هم و با ترکیب پراکنده ساکن شوند. یعنی روستاییان خانه‌های خود را طوری بنا کرده‌اند که حتی الامکان دیوار اشتراکی نداشته باشند، اما موضوع زندگی اجتماعی در این روستا را می‌توان در آثار توالت‌های اشتراکی ما بین چندین خانوار مشاهده کرد. (نگارنده)

مطالعه عوامل گوناگون تأثیرگذار بر شکل روستای پاقلعه و بررسی کالبدی آن دارای دو رویکرد مختلف است که در ذیل به آن پرداخته می‌شود.

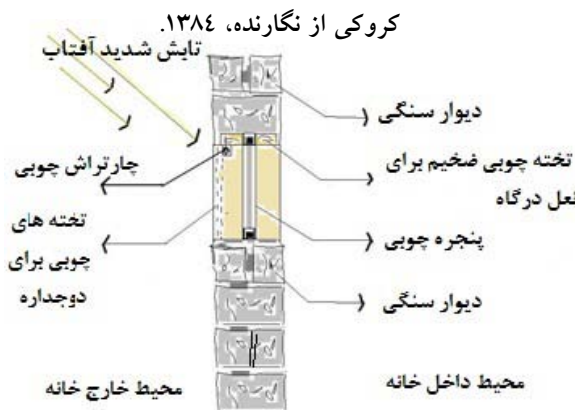
ج): تفاوت سطوح بازشو در وجوه مختلف ساختمان‌ها: با علم به اینکه پنجره‌ها و بازشوها در انتقال حرارت نقش اساسی دارند، برای پرهیز از ورود گرمای سوزان خوزستان (که در برخی مواقع دمای آن به بیش از ۵۰ درجه سانتی گراد می‌رسد) حتی الامکان از پنجره‌های با ابعاد کوچکتر در سمت جنوب و یا کلاً در بدنه‌های آفتابگیر استفاده گردیده است و گاهی با فضاهایی برخوردار می‌شود که اساساً هیچگونه پنجره و یا نورگیری برای آن تعبیه نشده است و ساکنان، خود را با نور کم در فضای معماری تطبیق داده‌اند.

د): ایجاد ایوان در سمت شمال و امکان ورود به بنا از همان سمت: اکثریت قریب به اتفاق پلانهای روستای پاقلعه دارای ورودی از جهت شمال پلان و در جهتی که کمترین تابش آفتاب در آن جهت می‌باشد با معمولاً یک پیش ورودی به صورت سقف نیمه باز برای سایه اندازی بر روی قسمت ورودی که معمولاً ساکنان در اوقات بیکاری به عنوان محل نشستن و برخاستن از آن استفاده می‌نمایند. ضمن اینکه زیر فضای سقف نیمه باز بهترین فضایی است که زنان خانه‌دار به کار صنایع دستی بومی خود روستا می‌پردازد و معمولاً این فضا را به عنوان محل کار خود انتخاب می‌کنند.

ه): ایجاد پنجره‌های دو جداره در جهت جنوب پلانها: شیوه دیگری که در مورد پنجره‌های ضلع جنوب روستای پاقلعه می‌توان به آن اشاره کرد، دو جداره کردن آنهاست، به طوری که فضای معماری که دارای یک پنجره ثابت است در قسمت بالایی آن یک تراشه چوبی به ابعاد تقریبی ۴ × ۴ سانتی متر تعبیه شده است که در فصول گرم تخته‌های چوبی را در جهت دوجداره کردن پنجره‌ها به این تراشه‌های چوبی می‌کنند که هم در برابر تابش شدید آفتاب مقابله نماید و هم اینکه بنابر اظهارات ساکنان روستا، در فصول گرم در این منطقه از تخته کشی

پنجره‌ها در جهت ایجاد حایلی برای جلوگیری از ورود مارها به داخل مسکن استفاده می‌شود و در فصول خنک و ملایم، همین تخته‌ها را میخ کشی کرده و مجدداً برای سال‌های آتی در انبار نگهداری می‌کنند. (تصویر ۶)

ت ۶. جزئیات اجرای پنجره‌های دو جداره در ضلع جنوب.



رویکرد بوم طبیعی و مصنوعی حاکم بر روستا

الف) بوم طبیعی: توپوگرافی طبیعی زمین با دقت در عوامل طبیعی چون پستی، بلندی و همچنین شیب طبیعی زمینی که روستا بر بستر این توپوگرافی شکل گرفته است، دو عامل بر روی شکل‌گیری بافت این روستا، جهت توسعه و گسترش روستا و ... تأثیرگذار بوده که در ذیل توضیح داده می‌شود. اولاً اینکه دامنه کوه بر جداره و پوسته روستا اثر گذار بوده به طوری که به دلیل اینکه حد فصل جدایی کوه از روستا با شیب تندی همراه است بنابراین امکان اینکه روستا به سمت کوه توسعه داشته باشد وجود ندارد و دلیل آن این است که امکان ایجاد معابر در شیب‌راههای تند نیز امکان پذیر نخواهد بود. ثانیاً روستا که در کوهپایه با شیب طبیعی زمین استقرار یافته است و عمده ساخت و ساز روستا نیز به صورت یک طبقه بوده است خط آسمان روستا نیز به نوعی متأثر

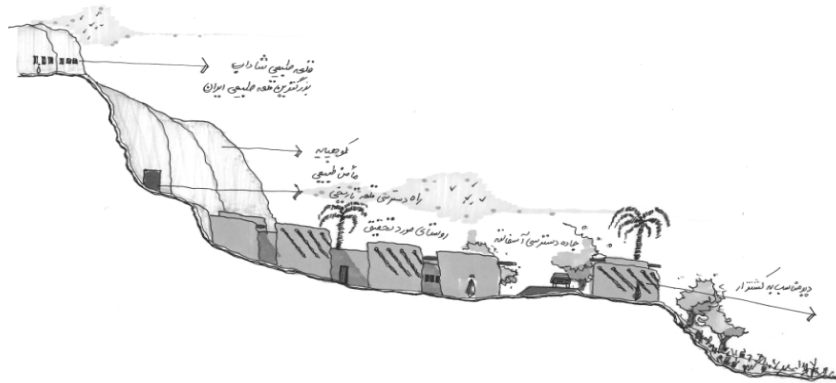
زمان و براساس نیازهای ساکنان به تردد از طریق جاده، خانه‌ها به سمت جاده کشیده شده‌اند به طوری که در مورد یک خانه مورد مطالعه (منزل آقای ناظمی - بازنشسته) وقتی ایشان جهت اقامت دائمی به روستای پا قلعه مراجعت کرده بود پس از کسب اجازه از اهالی روستا برای اقامت، خانه خود را در کنار جاده ساخته و در ادامه مورد بررسی قرار می‌گیرد. پس می‌توان نتیجه گرفت که کشیدگی و توسعه روستا از سمت دامنه به سمت جاده اصلی که تنها دسترسی به روستاست، صورت گرفته است. (تصویر ۸)

از شیب طبیعی زمین به وجود آمده است و می‌توان نقش بوم طبیعی را در بافت روستا مشاهده نمود. توسعه روستا در حد شرقی و غربی است و دلیل آن کم‌یازری بودن این زمینهاست که باپستی و بلندیهایی تند نیز همراه است. (تصویر ۷)

ب) بوم مصنوعی: راه دسترسی وجاده با مطالعه در استقرار اولیه روستا می‌توان استنباط کرد که روستا ابتدا در کنار جاده برپا نشده است اما به مرور زمان

ت ۷. پروفیل عرضی روستا و انطباق خط آسمان بر توپوگرافی طبیعی سایت آن.

منبع: کروکی های نگارنده، ۱۳۸۴.



ت ۸. توسعه فیزیکی روستا در حد شرقی و غربی.

منبع: کروکی های نگارنده، ۱۳۸۴.



مقیاس سوم : بررسی مقیاس بافت پُر روستا ، اندازه معابر و اندازه قطعات

در پراکندگی و یا تراکم بافت روستا، یکی از عوامل مهم زمین‌های کشاورزی است. (حبیبی، سید محسن، بافت- ۱۳۶۴) اگر این زمین‌ها حاصلخیز باشند بافت دهکده به صورت متراکم خواهد بود و برعکس این قضیه نیز صادق است. روستای پا قلعه از بافت تقریباً متراکمی در قسمت جنوبی آن که سابقه تاریخی بیشتری نسبت به قسمت شمالی آن که در کنار جاده و به مرور زمان احداث شده است دارد و دلیل آن در نگاه امنیتی بوده است، چرا که براساس سوابق تاریخی قلعه در این روستا که موضوع امنیت را دربرداشته است می‌توان استنباط کرد که روستایی با محوریت امنیت احداث خواهد شد. اما بر اثر گذشت زمان که جمعیت در این روستا افزایش یافته است موضوع توسعه فیزیکی در روستا پیش آمده است که خانه‌های مسکونی به سمت جاده کشیده شده‌اند و از تراکم کمتری به نسبت قسمت‌های قدیمی تر روستا برخوردار است. ضمن اینکه زمین‌های کشاورزی از حاصلخیزی کمتری بنابر اظهارات ساکنان برخوردار است، بنابراین زمینی که حاصلخیز نباشد در دیدگاه روستاییان آن‌چنان ارزشی ندارد که مانع گسترده‌ی اماکن مسکونی روستا شود بنابراین در ضلع شرق و غرب روستا که جهت گسترش فیزیکی است خانه‌هایی با تراکم و بافت کمتری را مشاهده می‌کنیم. با دقت در نوع شکل‌گیری جاده و کوچه‌های فرعی، منتج به موضوعی است که در بیشتر روستاهای ایران قابل مشاهده نیست و آن هم اینکه آن چیزی که با مطالعه نقشه کلی روستا به دست می‌آید، کوچه‌هایی به صورت شبکه‌های شطرنجی که تفکیک اراضی مسکونی بافت متأثر از این معابر است و همچنین در شکل‌گیری بافت پر روستای پا قلعه، معابر دسترسی

نادیده نگرفته شده است و شکل این معابر در اکثر مواقع به صورت خطی مستقیم بوده و انتهای کوچه را می‌توان دید. اما اندازه این معابر بیشتر در عرض ۶ متر و یا کمتر است و امکان حرکت سواره از نظر ابعادی در آن وجود دارد اما حرکت سواره و ورود خودرو در این معابر مشهود نیست و بیشتر این معابر به حرکت پیاده و دام اختصاص دارد، به طوری که اساس شکل‌گیری ابعاد و اندازه معابر براساس قراردادهای حرکتی انسان و دام طراحی و پیش بینی شده است و در پاره‌ای مواقع قطعات بزرگ سنگ‌ها را در وسط همین معابر به عنوان مانعی برای حرکت سواره‌ها در داخل معابر شاهد هستیم.

مقیاس چهارم: بررسی معماری فضاهای مسکونی

روستای پاقلعه و نمونه موردی در آن

بررسی سکونتگاه‌های انسانی روستا متأثر از عوامل معیشتی، بوم‌زندگی و شیوه سکونت امکان پذیر است. آنچه که در این راستا نقش تعیین کننده دارد، نحوه معیشت و سنت سکونت است. آنجا که معیشت خانوار روستایی بر مبنای کشاورزی استوار باشد شکل کالبد آن در مسکن، در نحوه قرارگیری فضاها و ارتباطات و همچنین تعداد اتاقها و انبارها تجلی می‌کند و در این صورت سطح بیشتری از خانه و موقعیت آن نیز در این رابطه تعیین کننده است و همچنین مواقعی که معیشت خانوار بر محور دامداری استوار است فضای سکونتی از دو نوع فضای دامی و انسانی تشکیل می‌یابد و این فضاها (دامی) در مسکن یک خانوار غیر دامدار و کشاورز وجود ندارد. مورد دیگری که در معماری روستایی استان خوزستان به چشم می‌خورد، شیوه فرهنگ عشیره‌ای در نظام روستایی است، یعنی فرزند خانوار پس از ازدواج خانه خود را در محوطه خانه پدری می‌سازد و با اضافه شدن افراد جدید فضاهای بیشتری شکل می‌گیرد. اما

کشاورزی در حد تأمین امرار معاش برای خانوارها قابل بهره برداری است. نوع محصولات کشاورزی روستای پاقلعه در حد گندم، جو، عدس و لوبیا است و در طراحی معماری سکونتگاه روستایی، فضایی به نام انبار محصول را می‌طلبند و همین فضا خود به دو دسته "انبار بلند مدت" برای انبار آذوقه‌هایی از این سال به آن سال و "کوتاه مدت" برای انبار کردن وسایل مایحتاج روزمره و می‌توان نتیجه گرفت که انبار کوتاه مدت باید به فضای انسانی، نزدیک و در ارتباط باشد. در این پلان دو حیاط یکی مربوط به دام و دیگری مربوط به انسان مشاهده می‌شود که فضاهای خدماتی چون انبار و آغل آن‌ها را از یکدیگر جدا کرده است، اما این دو حیاط از درون انباری قابل ارتباط و دارای راه ارتباطی هستند. تصویر (۹)

ت. ۹. منزل آقای ناظمی. مطالعه موردی بافت مسکن در روستای پاقلعه، منبع: برداشت میدانی نگارنده، ۱۳۸۴.



با دقت در پلان فوق که فضاهای دامی آن با رنگ کرم و فضاهای انسانی آن نیز با رنگ آبی آسمانی دیده می‌شود، می‌توان نشان داد که بیش از نیمی از کل عرصه و اعیان یک سکونتگاه در این روستا مختص دام است و این موضوع، اهمیت و نقش حضور دام در این سکونتگاه‌ها را به صورت واضح نشان می‌دهد. میزان تراکم فضاهای دامی در سایت این خانه، در مقایسه با فضای انسانی

روستای پاقلعه فاقد نظام عشیره‌ای تأثیرگذار در نوع مسکن است، چرا که مسکن جدید پس از تشکیل خانواده جدید است و کمتر مواردی به چشم می‌خورد که در یک واحد مسکونی چند خانوار به صورت فامیلی زندگی کنند. ضمناً به دلیل کمبود امکانات زندگی در سطح روستا، عدم رونق دامداری به سبب کمبود چراگاه و مرتع برای تغذیه دام در روستا، نوعی فرار از روستا را در میان جوانان پایه‌ریزی کرده است و کمتر کسی پس از ازدواج در روستا سکنی‌گزینی می‌کند، مگر در شرایطی که ناشی از کهولت سن پدر و مادر باشد و به همین دلیل در این مجال سعی می‌شود عوامل معیشتی و بوم‌زندگی در این روستا بحث و بررسی شود. با مطالعه در سطح روستای پاقلعه چنین برداشت می‌شود که خانه در روستا شکل زیست - تولیدی به خود گرفته است به طوری که در سمتی از خانه اهالی مشغول تولید هستند (دامی) و در بخش دیگر آن فعالیت زندگی (انسانی) برقرار است و هرگونه فعالیت در بخش دامی موجبات ایجاد مزاحمت برای دیگر بخش خانه به وجود نمی‌آورد و بالعکس. اما به دلیل ارزش و منزلت دامی در سطح روستا که ناشی از جریان سوددهی دام است، فضاهای دامی در مقایسه با فضاهای انسانی از کیفیت و کمیت کمتری برخوردار نیستند و در برخی مواقع کیفیت فضاهای دامی از فضاهای انسانی نیز بیشتر است. این روستا به دلیل قرارگیری در ارتفاع زیاد از سطح دریاچه سد دز که در دو کیلومتری آن واقع است، دارای زمین‌های کشاورزی از نوع کشت دیمی است و همین موضوع موجب عدم رونق کشاورزی و در نتیجه تولیدات دامی شده است، اما با وضع اقتصادی ضعیفی که در این روستا حاکم است (بر اساس مطالعات میدانی در سال ۱۳۸۴ خانواده ۵ نفری بود که درآمد ماهیانه این خانوار در حدود چهل هزار تومان بود که از طریق کپوبافی حاصل می‌شد) رونق

نشان می‌دهد که به دلیل تأمین نیازهای روزمره زندگی توسط همین دام‌ها مقدار تراکم فضای دام بیشتر از مقدار فضای انسانی است، و یا به عبارت دیگر دامها مساحت بیشتری از ساخت وساز در این روستا را در مقایسه با فضاهای انسانی به خود اختصاص داده‌اند. یکی دیگر از نکات دیگر در این روستا که تفاوت آن با معماری دیگر روستاهای استان را نشان می‌دهد فضای حمام در خارج از فضای زیربنای مسکن است اما اصول اولیه طراحی یعنی در دیدرس نبودن ورودی آن رعایت شده است. فضای ویژه میهمان (مضيف) کاملاً در دیدرس درب ورودی که مشخصه خاص فضاهای مضیف در این استان است ضمن اینکه فضای مضیف بر عکس سایر مناطق دیگر در سطح استان، دارای ورودی و پنجره از سمت حیاط و فضای زیست انسانی است.

نتیجه

مطالعه در بافت روستای پاقلعه خوزستان نتایجی منطقی، منطبق بر اصول طراحی بافت روستایی را در پی داشت. یافته‌های این تحقیق به شرح ذیل است:

۱. استفاده از بافت شبکه شطرنجی معابر در سطح روستا که ناشی از تأثیر شیب طبیعی زمین بر بافت روستایی است، به نحوی که یک معبر اصلی در جهت موازی با شیب طبیعی زمین قرار گرفته است و معابری عمود بر این معبر در جهت عمود بر شیب به صورت افقی و بدون شیب در نظر گرفته شده است.

۲. در توضیح مکانیابی روستای پاقلعه دیدیم که روستای پاقلعه بر خلاف روستاهای با اقلیم سرد که در سمت جنوب کوهپایه برای استفاده بیشتر از نورخورشید جانمایی می‌شوند، در سمت شمالی کوه و یا به عبارت دیگر در قسمت سایه انداز کوه شکل گرفته است و این موضوع، تأکید بر تأثیر اقلیم در شکل‌گیری بافت دارد که

همین امر در شکل و فرم پلان‌های مسکونی نیز اثر گذاشته و پلانها نیز به صورت پشت به آفتاب کار گذاشته شده است.

۳. محور اصلی طراحی بافت در این روستا اعم از مقیاس معابر، ابعاد و اندازه فضاها، میزان تراکم فضاهای معماری و کیفیت مصالح مصرفی در ساخت، بر اساس رابطه‌ای منطقی بین انسان به‌عنوان کارگردان اصلی و دام به‌عنوان عامل معیشت صورت گرفته است و این نشان از اهمیت دام در زندگی ساکنان این روستا دارد.

منابع

- مرکز تحقیقات ساختمان و مسکن. (۱۳۶۴)، گونه شناسی مسکن روستایی خوزستان - بافت، تهران.
- زرگر، اکبر. (۱۳۸۶)، درآمدی بر شناخت معماری روستایی ایران. شهید بهشتی، تهران.
- حبیبی، محسن. (۱۳۶۷)، گونه شناسی مسکن روستایی ایلام - بافت، تهران.
- حبیبی، محسن. (۱۳۶۷)، گونه شناسی مسکن روستایی کهگیلویه و بویراحمد - بافت، تهران.
- مرکز تحقیقات ساختمان و مسکن. (۱۳۶۱)، گونه شناسی مسکن روستایی خوزستان - وضع موجود، تهران.
- حبیبی، محسن. (۱۳۶۳)، گونه شناسی مسکن روستایی خوزستان - مصالح و سیستم‌های ساختمانی. تهران.
- حبیبی، محسن. (۱۳۶۵)، گونه شناسی مسکن روستایی خوزستان - واحد مسکونی. تهران.
- مصاحبه با آقای ناظمی (ریش سفید روستا به نمایندگی از اهالی) با نگارنده - ۱۳۸۴.
- شکری پور، غفوری، امانی پور، ۱۳۸۵،
- Rackfalls in Sfeedan Village in the Northeast of Iran.